



امنیت در آیین آیات و روایات

علیرضا سوری^۱

حسن جباری^۲

چکیده

در طول تاریخ، یکی از دغدغه‌های اصلی بشر داشتن آرامش و امنیت جسمی و روانی در زندگی بوده است. تاکنون تعاریف و مفهوم پردازی‌های زیادی از مقوله امنیت انجام شده است که با توجه به پیچیدگی‌های خاص آن، هنوز نمی‌توان تعریفی را که جامع و مانع بوده و همگان آن را پذیرفته باشند پیدا کرد. اما با توجه به تعریفی که تاکنون در این خصوص ارائه شده می‌توان گفت: امنیت به معنی مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید. اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین آسمانی؛ همچون سایر مقولات مهم در عرصه زندگی فردی و اجتماعی انسان، نگاه ویژه‌ای هم به مساله امنیت دارد. این مساله هم در قرآن به عنوان منبع لایزال وحی الهی و هم در سخنان معصومین به عنوان شارحان و مفسران اصلی و واقعی قرآن نمود ویژه‌ای یافته است. این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و بر پایه آیات قرآن و روایات معصومین، در پی پاسخ‌گویی به این سوالات است: معنا و مفهوم امنیت از دیدگاه قرآن و روایات چیست؟ ابعاد و مولفه‌های امنیت از دیدگاه قرآن کدامند؟ خاستگاه‌ها و منشا تولید امنیت از یک منظر دینی کدام است و در نهایت اینکه آثار و پیامدهای امنیت کدام است؟

کلید واژه‌ها: امنیت، انسان، دین، اسلام، قرآن، روایات معصومین (ع).





یکی از ابتدایی ترین پرسش هایی که انسان ها دارند این است که: چگونه آرام زندگی کنیم؟ جامعه امن و آرام چه ویژگی هایی دارد؟ آسایش و آرامش مادی و معنوی، روحی و جسمی، فردی و اجتماعی، چگونه به دست می آید؟ پرسش های فوق نمونه ای از صدها سوالی است که هر انسانی دارد و در انتظار شنیدن پاسخ و یافتن راه حل برای آن است و همه حکومت ها و نظام های سیاسی اجتماعی نیز، خود را برای دادن چنین پاسخ و ارائه راه حل موظف دانسته و مدعی برقراری امنیت در جامعه هستند. بدون شک زندگی آرام و دیدن روی آسایش، وابسته به وجود امنیت در جامعه است و امنیت از نیازهای اولیه زندگی انسان به شمار می آید. به دلیل جایگاه رفیع و نقش مهم امنیت در زندگی انسان، خداوند عالم یکی از نشانه های تمدن و رشد اجتماعی امم گذشته را وجود امنیت در زندگی آنها نام برده است که متأسفانه به دلیل ناسپاسی از نعمتهای الهی آن را از دست داده اند:

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ؛ خداوند (برای آنان که کفران نعمت می کنند) مثلی زده است: منطقه آبادی که امن و آرام و مطمئن بود و همواره روزیش از هر جا می رسید اما به نعمت های خدا ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر اندامشان پوشانید (نحل: ۱۱۲).

از اساسی ترین خواسته های اساسی بشر امنیت است و تأمین آن از مهمترین وظایف حکومت هاست. در ادبیات سیاسی و جامعه شناسی معاصر، این امر از بدیهی ترین اصول به حساب می آید. امنیت به معنای آرامش، آسودگی، ایمنی است. در فرهنگ سیاسی، مهمترین عنصری که برای امنیت منظور می کنند «فقدان تهدید» است. البته چون فقدان تهدید به طور مطلق و تام، دست نیافتنی است به «حداقل رساندن تهدید» را در مفهوم امنیت کافی دانسته اند. اگر به همین معنا قناعت کنیم، قهراً مقوله امنیت مفهومی نسبی است که دارای مراتب شدت و ضعف است. البته باید به این نکته توجه داشت که گاهی ممکن است عامل عینی تهدید وجود نداشته باشد، اما در عین حال شخص و یا جامعه احساس امنیت نکند. بنابراین، امنیت حقیقی، آمیزه ای از وضعیت فیزیکی و فکری است. از طرف دیگر، امنیت از





مقوله هایی است که در عین سادگی، روانی و روشنی که به ذهن می رسد، اختلاف آراء و انظار در آن به روشنی مشهود است. واژه‌ای که ثبات و استقراری نداشته و هر فرد و گروه برای رسیدن به اهداف خویش از آن تعریف و تفسیر خاصی را ارایه می دهند تا شاید منافع مورد نظر خویش را در ورای تعریف پیشنهادی حفظ کرده و به دست آورند.

لذا، در اینجا مناسب‌تر به نظر می‌رسد مفهوم امنیت را به فراخور بضاعت علمی از دیدگاه قرآن و روایات مورد بحث و بررسی قرار دهیم. دین اسلام به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی به تمام زوایای زندگی انسانها به طور عموم و مسلمین و مومنین به طور ویژه نگاه ژرف‌بینانه‌ای داشته و هیچ نکته‌ای را از قلم نینداخته است. در این بین، نگاه ویژه قرآن و فرمایشات معصومین که ترجمان وحی هستند به مقوله امنیت نیازمند کند و کاو و توجه ویژه‌ای می‌باشد که در این مقاله مطمع نظر است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

جستجو و تامین امنیت از کشش‌ها و نیازهای طبیعی انسان است زیرا در کنار ارضای نیازهای فیزیولوژیک انسان مجموعه‌ای از نیازها و خواسته‌های جدید پدید می‌آید که می‌توانیم آنها را به طور کلی جز نیازهای ایمنی طبقه بندی کنیم. مثل امنیت، وابستگی، حمایت، رهایی از ترس، نیاز به نظم و... لذا همچنان که ارگانیزم بدن انسان به عنوان مکانیزم جویای ایمنی عمل می‌کند در حقیقت گیرنده‌ها و دیگر استعدادها ابزاری هستند برای جستجوی ایمنی. امنیت در همه ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و قضایی و... نیاز ضروری فرد و جامعه می‌باشد که باید آحاد ملت، حکومتها و دولتها در ایجاد و گسترش آن تمام امکانات و توان خود را به کار گیرند اما در مقوله نگاه و حیانی مساله متفاوت است. همین‌طور تقریباً همه فلاسفه و اندیشمندان فلسفه سیاسی شکل‌گیری دولت را نیاز انسان به تامین امنیت و نظم و امنیت را لازمه وجود و شرط قوام هر اجتماعی می‌دانند که در چارچوب نظام حقوقی حاکم تضمین و تامین می‌گردد.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این مقاله روش توصیفی تحلیلی می‌باشد. توصیف در برگیرنده معنا و مفهوم لغوی و اصطلاحی مفهوم امنیت از دیدگاه‌های مختلف و به خصوص آیات و





روایات است و تحلیل در برگیرنده چرایی اهمیت امنیت، خاستگاه‌ها و منشا تولید امنیت، و آثار و پیامدهای آن از دیدگاه قرآن و روایات. در این راستا، سعی شده است تا با استفاده از منابع مختلف از قبیل کتب، مقالات و مطالب معتبر اینترنتی کند و کاوی ساختارمند در خصوص امنیت و شاخص‌های آن انجام شود و با محوریت آیات قرآن و احادیث به سوال‌های مطرح شده در مقاله پاسخ داده شود.

چهارچوب نظری

امنیت: از مفهوم امنیت تاکنون برداشت‌های مختلفی شده است عده ای آن را یک نماد مبهم و دسته ای نیز کلمه ای با معانی بسیار می دانند. در واقع می‌توان گفت امنیت مفهومی سیال گسترده و پیچیده است که در بیان تعریف آن بر مصادیقی نظیر حفظ خود و حیات، ارزش‌های حیاتی، تمامیت ارضی، بقای مردم و کشور و مانند آن اشاره می‌شود و بین محققین و کارشناسان علوم مختلف توافق واحدی بر یک معنای کامل و مطلق از این مفهوم وجود ندارد. امنیت در لغت به بی‌خوفی و امن، بی‌بیمی (دهخدا، ۱۳۷۸: ۲۱۱) همچنین ایمن شدن، درامان بودن، بی‌بیمی (معین، ج ۱: ۳۵۴) و یا ایمنی، آرامش، آسودگی (عمید، ۱۳۶۲: ۱۵۶) معنا شده است. در اصطلاح، مفهوم امنیت مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و در مورد افراد به معنی آن است که هیچ هراس و بیمی نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع خود نداشته و به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید (عمید زنجانی، ۱۳۶۸). بدیهی است در بررسی مفاهیم امنیّت ابتدا، امنیّت در قرآن مورد پژوهش قرار می‌گیرد. به واژگان دیگری چون، صلح، سلیم، سلام، مترادف امنیّت است نگریسته خواهد شد.

مفهوم امنیّت در قرآن: امن و مشتقات آن به معنی: امنیّت یافتن، در امان بودن، امانت دادن، امین شمردن، «أصل الأَمْن طمأنیئَةُ النفس وَ زَوَالُ الخَوْفِ» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵: ۳۰) «اصل معنا امن و آرامش نفس و از بین بردن ترس اوست». در اینجا امنیّت در معنای عام و وسیع به معنای اطمینان، و آرامش درونی از هرگونه ترس و وحشت درونی و برونی به کار رفته است. و در «زمان و مکانی که هیچ خوف و ترسی برای انسان نباشد، امنیّت وجود دارد





و هرگاه هرگونه ترس و دلهره‌ای برایش وجود داشته باشد امنیت از او سلب می‌گردد و در کتاب قرآن «طُمَأْنِيَّةُ النَّفْسِ» به آرامش قلب و خاطر جمع بودن ترجمه و اضافه شده است (قریشی، ۱۳۷۱: ۱۲۳).

واژگان مترادف امنیت

واژه صلح: صلح به معنی سازش و از بین بردن نفرت است و در اصلاح فقهی از عقود لازمی است که با شرایطی، دشمنی بین دو نفر و یا دو دسته برداشته شود (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱۳۸۰). واژه سِلْم، سَلَم: سَلَم، سَلَم به معنی صلح است دَخَلَ فِي السَّلَامِ یعنی: «داخل در صلح و آشتی شد» و سَلَم، تسلیم یا استسلام و انقیاد معنا شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۵: ۴۲۳). واژه سلام: سلام نیز از ریشه و مشتقات سِلْم است و در اصل به معنای سلامتی و انقیاد و فرمانبرداری است. به بهشت از آن روی دارالسلام گفته‌اند که مصون از آفات است و به معنای تحیت و درود معروف است.

مفهوم امنیت

امنیت یکی از موضوع های بسیار مهمی است که در قرآن و روایات به طور گسترده‌ای به آن اشاره شده است. البته صورت فارسی و عربی این کلمه به شکل های «امنیت» و «امنیه» در متون اسلامی موجود نیست و بیشتر توجه به این موضوع با عبارات و مشتقاتی از ثلاثی مجرد «امن» صورت پذیرفته است. در مجموع از ریشه یا کلمه امن، ۶۲ کلمه مشتق، حدود ۸۷۹ بار در قرآن به کار رفته که از این تعداد کاربرد، ۳۵۸ مورد در آیات مکی و ۵۲۱ مورد در آیات مدنی این واژه استفاده شده است (روحانی، ۱۳۶۹: ۳۷۲ - ۳۷۳).

پیوند ناگسستنی این اصطلاح با نفس کلمه اسلام، ایمان، و مومن حاکی از اهمیت فوق العاده مفهوم امنیت است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۵۲). علامه طباطبایی در تفسیر واژه سلام می‌فرماید: اینکه گفتیم سلام شیوه‌ای است معتدل، بدان علت است که اولین چیزی که اجتماعی متعاون^۱ به آن نیاز دارد که بین افراد حاکم باشد همانا امنیت افراد در عرض و مال و جانشان از دستبرد دیگران است. نه تنها جان و مال و آبرو بلکه لازم است هرچیزی که به





یکی از این سه چیز برگشت کند امنیت داشته باشد و این همان سلامی است که خدای عزوجل آن را بین مسلمانان سنت قرار داده تا هر فردی که به دیگری برخورد کند قبل از هر چیز سلام بدهد و طرف مقابل را از هر خطر و آزار و تجاوز خود امنیت دهد.

امنیت به معنای آرامش، آسودگی، ایمنی است. در فرهنگ سیاسی، مهمترین عنصری که برای امنیت منظور می‌کنند «فقدان تهدید» است. البته چون فقدان تهدید به طور مطلق و تام، دست نیافتنی است به «حداقل رساندن تهدید» را در مفهوم امنیت کافی دانسته‌اند. اگر به همین معنا قناعت کنیم، قهراً مقوله امنیت مفهومی نسبی است که دارای مراتب شدت و ضعف است. البته باید به این نکته توجه داشت که گاهی ممکن است عامل عینی تهدید وجود نداشته باشد، اما در عین حال شخص و یا جامعه احساس امنیت نکند. بنابراین، امنیت حقیقی، آمیزه‌ای است از وضعیت فیزیکی و فکری.

هیچ مکتب و نظام حقوقی نمی‌تواند خود را نسبت به مسأله امنیت، فارغ و بی‌طرف بداند؛ زیرا نه تنها امنیت فی نفسه یکی از اساسی‌ترین نیازهای جامعه بشری است بلکه خود، عامل مهمی جهت رشد و توسعه فرهنگی، علمی، اقتصادی و سیاسی است. امنیت در همه ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و قضایی و... نیاز ضروری فرد و جامعه می‌باشد که باید آحاد ملت، حکومتها و دولتها در ایجاد و گسترش آن تمام امکانات و توان خود را به کار گیرند.

اسلام به عنوان یک نظام حقوقی جامع که پاسخگوی نیازهای فردی و اجتماعی در همه زمانها و مکانهاست نمی‌تواند از این قاعده مستثنا باشد. امنیت، انتظار نخست انسانها از حکومت‌هاست که امروزه ابعاد گسترده و متنوعی یافته است. تأثیرپذیری امنیت از اقتصاد، فرهنگ، صنعت و جمعیت و تأثیرگذاری آن بر همه شاخه‌های توسعه و حیات انسانی، به آن نقش بنیادین داده و همه فیلسوفان سیاسی گذشته و حال را به تأمل در آن وا داشته است. تکامل ساختاری و مهندسی عمومی جامعه اسلامی و تنظیم و استقرار ارکان حاکمیت دینی، از جمله امنیت، مبتنی بر معیارها و ملاکهای اسلامی و تنظیم روابط انسان با محیط اجتماعی بر اساس دین و اتکای جامعه بر قوانین و ضوابط الهی تبیین‌گر جهت‌گیری نظام





اسلامی در مقایسه با سایر نظام های فکری و رفتاری است. با توجه به وجود جامعیت و همه جانبه‌گی مکتب اسلام و توجه اسلام به همه نیازهای انسانی که در شمولیت دستورهای دینی در همه ابعاد اعتقادی، اخلاقی و دستورهای عملی بروز و ظهور پیدا کرده است، از طرفی وجود سنتها و قوانین پایدار در نظام جهان و تغییرناپذیری و نسخ در قوانین سنت های الهی و نیز داعیه جهانی قوانین اسلامی با عدم تعلق به ملتها و قومیت های خاص و ابتنا بر فطرت، به صورت مضاعف ضرورت کشف قوانین الهی در همه ابعاد فردی و اجتماعی، از جمله امنیت آشکار می شود. برای دستیابی به مفهوم جامع امنیت در اسلام با اتخاذ رویکرد سه جانبه ایجابی، سلبی و زمینه ای، هم مفاهیمی که در راستای تحقق مفهوم امنیت کاربرد دارند (ایجابی)، هم مفاهیمی که نقش مانع یا مخرب برای مفهوم امنیت دارند (سلبی) و هم مفاهیمی که نقش زمینه ساز برای طرح یا تحقق مفهوم امنیت دارند (زمینه ای) مورد شناسایی قرار می گیرند تا بر اساس آن گزاره های جامعی استخراج و ارائه شود.

امنیت از دیدگاه قرآن

در راستای بُعد ایجابی امنیت، در اینجا به نکاتی چند درباره اهمیت امنیت در نگاه قرآن و اسلام اشاره می شود:

الف. حضرت ابراهیم وقتی در مکه، خانه خدا را بنا نهاد، دو خواست بزرگ خود را با خدا در میان گذاشت. یکی مبعوث شدن پیامبری از میان فرزندان او در همین منطقه و دیگری امنیت این مکان برای همه مردم. خداوند نیز هر دو دعای او را مستجاب کرد. آن حضرت در مورد درخواست دوم چنین دعا کرد: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا»؛ یعنی پروردگارا، اینجا را محل امن و آسایش قرار بده. (بقره/۱۲۶)

جالب این است که قرآن کریم در سوره قریش می فرماید: کيفر لشکر فیل سواران ؛ که در سوره قبل ؛ یعنی سوره فیل بیان شد؛ به خاطر این بود که قریش به این سرزمین مقدس مکه، انس و الفت بگیرند؛ زیرا تمام اهل مکه به خاطر مرکزیت و امنیت این سرزمین در آنجا سکنی گزیده بودند. بسیاری از مردم حجاز هر سال به آنجا می آمدند، مراسم حج را به جا می آوردند و مبادلات اقتصادی و غیراقتصادی داشتند و از برکات مختلف این سرزمین استفاده می کردند. همه اینها در سایه امنیت و آسایش ویژه این شهر بود. اگر با لشکرکشی





ابرهه و امثال او، این امنیت خدشه‌دار می‌شد یا خانه کعبه ویران می‌گشت، دیگر کسی در این سرزمین احساس امنیتی نمی‌کرد و قهراً با آن الفتی پیدا نمی‌کرد. باز در همین سوره می‌فرماید: «فلیعبدوا ربَّ هذا البيت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف»؛ یعنی با این همه نعمت الهی (از جمله امنیّت) که به برکت کعبه پیدا کرده بودند باید به شکرانه آن، پروردگار این خانه را عبادت کنند؛ همان خدایی که آنها را از گرسنگی نجات داد و از هر بیمی هم در امنیّت نگه داشت.

ب. در قرآن همانگونه که برخی از اماکن، اماکن امن به حساب آمده است برخی از ماه‌ها و زمان‌ها نیز زمانهای امن به حساب آمده است. ماه‌های چهار گانه حرام (رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم) که اسلام بر حرمت آن تأکید جدی دارد نشانه اهمیت و امنیّت در نگاه اسلام است. در قرآن کریم آمده است: «انَّ عَدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنِ عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ، مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ»؛ یعنی همانا عدد ماه‌ها در نزد خدا در کتاب خدا از آن روزی که خداوند آسمان و زمین را بیافرید دوازده ماه است. از آن دوازده ماه، چهار ماه، ماههای حرام است. این است دستور دین استوار و محکم. پس در آن ماهها در حق خود ظلم (جنگ و خونریزی) نکنید» (توبه/۳۶).

ج. یکی از اموری که اهمیّت امنیّت را در نگاه اسلام نشان می‌دهد این است که خداوند در قرآن کریم در جاهای متعدّد وعده‌ای که به اولیای خود می‌دهد، بهره‌مندی از زندگی امن و آسوده و خالی از خوف و خطر است: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ - ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمَنِينَ - وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ إِخْوَانًا عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ - لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ»؛ به درستی که اهل تقوی در باغها و چشمه‌ها خواهند بود. به آنها خطاب شود که با درود و سلام و با کمال و ایمنی و امنیّت به بهشت وارد شوید، ما آینه دل‌های آنها را از کدورت (کینه، حسد و هر خلق ناپسند) پاک و پاکیزه سازیم تا با هم برادرانه و روبروی هم بر روی تخت‌ها بنشینند. در صورتی که هیچ رنج و زحمت در آنجا به آنها نرسد و هرگز از بهشت بیرونشان نکنند» (حجر/۴۵-۴۸).



ابعاد امنیت از دیدگاه اسلام

امنیت درونی

امنیت درونی به معنای امنیت روحی و روانی است و در واقع شکلی از امنیت است که درون انسان استقرار می‌یابد. با این نگاه وقتی انسان در مرحله‌ای قرار گیرد که با اتکا به ایمان نسبت به خالق هیچ چیز یا پدیده‌ای نتواند آرامش او را برهم زند دارای امنیت روحی روانی است. آرامش حضرت امام خمینی (قدس) هنگامی که توسط عناصر ساواک دستگیر شدند و یا هنگامی که از پاریس به مقصد تهران در حرکت بودند نمونه بارزی از تجلی این حالت از امنیت درونی است. به اذعان روانشناسان، یکی از امراض رایج امروزه عدم امنیت روانی است. کارشناسان، علت اضطراب و ناامنی روحی روانی انسان امروز، عدم اتکا به یک واجب الوجود قادر مطلق می‌دانند. امروزه بشر با فاصله گرفتن از مبدا پیدایش خود در یک وضعیت سردرگمی و ناآرامی به سر می‌برد. در قرآن کریم هنگامی که تعبیر یا ایها الذین امنوا بکار برده می‌شود دو معنا از آن مستفاد می‌گردد. اول کسی که خود را به مقام امن رسانده و دوم آنان که دارای امنیت و برخوردار از آن شده‌اند.

امیرالمومنین (ع) در بیانی خشنودی خدا را مایه امنیت و رحمت معرفی می‌کنند. «فرمان خدا، قضای حتمی و حکمت؛ و خشنودی او مایه امنیت و رحمت است» (خطبه ۱۶۰ نهج البلاغه).

در اسلام تأمین امنیت درونی اهمیت بیشتری دارد و مبارزه با عوامل درونی تهدید از اولویت بیشتری برخوردار است. عوامل درونی تهدید عواملی هستند که ایمان مردم را تهدید می‌کنند. از جمله مهم‌ترین آنها عوامل نفسانی هستند. به همین دلیل از مبارزه با عوامل نفسانی به عنوان جهاد اکبر یاد می‌شود که مهم‌تر از جهاد اصغر به معنای مبارزه و جنگ در عرصه نظامی است. از ویژگی‌های این نوع جهاد، نامشخص بودن دشمن و نشانه‌های آن، همراهی دائمی او در تمام مراحل جنگ و نامحدود بودن آن به زمان و میدان جنگ است. این جهاد مقدمه موفقیت جهاد اصغر تلقی می‌شود.



امنیت بیرونی

همانطور که اشاره شد بعد دوم امنیت از منظر اسلام امنیت بیرونی است که ناظر به روابط اجتماعی انسان هاست. اسلام برای امنیت در روابط انسانی از ساده ترین شکل یعنی روابط دو انسان تا پیچیده ترین قسم آن یعنی روابط مردم با حکومت و همچنین امنیت جهانی اهمیت بسزایی قایل است. در این ارتباط، اسلام امنیت را یکی از اصول زندگی و حالتی اجتناب ناپذیر در زندگی جمعی و عنصری ضروری در بهره وری از مزایا و مواهب حیات و نیز زمینه ساز تکامل و ارتقای بشر تلقی کرده و از آن به عنوان یکی از مقدس ترین آرمان های بشری و الهی یاد نموده است.

علی علیه السلام در نامه ای به طور خاص به نقش نظامیان در تامین امنیت اشاره داشته اند آنجا که می فرمایند: «سپاهیان به فرمان خدا پناهگاه استوار رعیت و زینت و وقار زمامداران شکوه دین و راه های تحقق امنیت کشورند» (نامه ۵۳ نهج البلاغه). هم ایشان پس از توییح اهل کوفه آن جا که صحبت از اهداف حکومت سلامی می کنند می فرمایند: «خدایا تو می دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت، حکومت و دنیا و ثروت نبود بلکه می خواستیم نشان های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین های تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستمدیده ات در امنیت و آرامش زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد» (خطبه ۱۳۱ نهج البلاغه). در قرآن کریم نیز خداوند جهت تامین امنیت به حکومت اسلامی دستور داده است تا برای ایجاد بازدارندگی و ترساندن دشمن از رویارویی با مسلمین با تمام توان خود را آماده سازند (انفال/۶۰).

با توجه به آنچه که گفته شد و در بررسی اندیشه سیاسی اسلام باید توجه داشت که امنیت بستر ساز پیاده سازی مفاهیم بزرگی چون عدالت و آزادی است و در حقیقت در سایه ایجاد امنیت است که حکومت اسلامی می تواند به پیشبرد جامعه در جهت نیل به کمال و اقامه اوامر الهی دست یابد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۹).

مولفه‌های امنیت از دیدگاه اسلام

با توجه به مباحث پیشین، می‌توان گفت مولفه بنیادی امنیت از نگاه قرآن و اسلام این است که در قرآن «امنیت ایمانی» در مرکز و کانون توجه قرار دارد. این تعبیر حتی در نزدیکی لغوی ایمان و امنیت نیز مورد توجه قرار گرفته است: «قرآن کریم امنیت ایمانی را به عنوان امنیت «معیار» مطرح می‌کند. از نظر لغوی، معنای امنیت از ریشه «أَمِنَ» می‌آید که به معنای در امان بودن و ایمن بودن است. در عین حال از مشتقات این واژه، آمَن و آمِن است که به معنای اطمینان داشتن و ایمان آوردن است. قرآن ضمن برشمردن امنیت و وجوه عینی آن، نوع کامل و اصلی امنیت را امنیت مبتنی بر ایمان به خداوند می‌داند. این مفهوم هر سه معنای امروزی از امنیت عینی، ذهنی و آرامش و اطمینان قلبی را بازنمایی می‌کند» (غریاق زندی، ۱۳۸۹: ۶-۷).

بنابراین «ایمان» و «ایمنی» در منطق الهی توأمانند. الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ. (انعام/۸۲) در آیه دیگری خداوند متعال «ایمنی» را جزای «ایمان» دانسته است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا. (نور/۵۵). در فرهنگ اسلامی ایمان هم پایه امنیت است و هم هدف آن. ایمان از این جهت که امنیت اصلی، واقعی و حقیقی در گرو ایمان است، پایه امنیت است. «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ یاد خدا و همبستگی با خدا و تصحیح رابطه انسان با خدا امنیت، آرامش و ایمنی را به دنبال می‌آورد، زیرا ارتباط با خدا باعث می‌شود تا انسان جایگاه حقیقی خود را در هستی پیدا کند. همچنین هویت فلسفی انسان در گرو درک درست انسان از جایگاه خود در هستی است (شریعت‌مدار جزایری، ۱۳۸۵: ۲۰).

خداوند، ایمان را راه‌رایی از مشکلات و ناامنی و راه درست گام نهادن در بهشت برین قرار داده است؛ در این صورت مرجع امنیت از منظر قرآن، ایمان است. به عبارت دیگر، داشتن ایمان مهم‌تر از لزوماً سعادت بشر است، ولی در عین حال، مغایر هم نیستند. راهکارهای تحقق امنیت ایمانی نیز در اسلام مورد توجه قرار گرفته است: «خداوند برای تحقق امنیت، وسایل لازم را نیز پیشنهاد می‌کند. نخست برای مردمان مختلف، کتاب راهنما



و میزان برای هدایت آنها فرستاده است. در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید آمده است: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ: ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را فرستادیم که در آن نیروی شدید و منفعی برای مردم است تا خداوند بداند چه کسانی او و رسولانش را یاری می کنند بی آنکه او را ببینند. به درستی که خداوند قوی و شکست ناپذیر است.

امنیت در اسلام و قرآن، در تعبیر فراخ و موسع آن مدنظر است. اسلام امنیت افراد، گروه ها، حکومت، امت را حتی در سطح جهانی و تمام ابعاد آن را مورد توجه قرار داده است. از آنجا که اسلام دیدگاه همه جانبه تری نسبت به امنیت دارد، مرجع امنیت را هم حکومت می داند، هم ملت، هم آحاد مردم و هم حقوق آنها. پس تهدیدها و تعرض ها از منظر این دیدگاه متوجه دولت، آحاد ملت و ایدئولوژی هستند و امنیت شامل طرح همه جانبه ای است که سعی در صیانت دولت، ملت، ایدئولوژی و تک تک افراد جامعه از این گزندها دارد (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۲۸).

در دین مبین اسلام امنیت به عنوان بستری برای رشد و تعالی انسان و جامعه و حرکت به سمت کمال و سعادت محسوب می شود و از ملزومات حیات بشری است. ازمنظر اسلام امنیت به دو بعد درونی و بیرونی تقسیم می شود. حکومت بدون امنیت، حکومت نیست و یکی از اصلی ترین و اساسی ترین مقولات هر حکومتی، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاع از حقوق آنها است. امنیت سنگ زیربنای حیات فرد و جامعه است و پیش شرط هر گونه توسعه و رشد و رفاه و ارتقای مادی و معنوی به حساب می آید. از بیان امام علی(ع) در مورد ضرورت حکومت این معنا به خوبی استفاده می شود. حضرت در پاسخ شبهه خوارج که می گفتند «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» فرمود: «لَا بَدَ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ ... وَ يُقَاتِلُ بِهَ الْعَدُوَّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السَّبِيلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ» (نهج البلاغه): به ناچار برای مردم امیری لازم است؛ خواه نیکوکار یا بدکار، تا به وسیله او با دشمن جنگ شود و راهها امن گردد و حقوق ضعفا از





اقویا گرفته شود و نیکوکاران در رفاه باشند و از شرّ بدکاران آسایش داشته باشند.» در این بیان نورانی، امام علی (ع)، فلسفه حکومت و ضرورت آن را بیان می فرماید و از اهداف و اصول آن برقراری امنیت، دفاع و مقابله با دشمنان، حمایت از حقوق مظلومان و ستمدیدگان و مقابله با ستمگران و متجاوزان و تأمین رفاه و آسایش و آرامش جامعه و جمع آوری بیت المال و مصرف صحیح آن را برمی شمرد، که با هرج و مرج و تهاجم دشمنان و زورگویی قلدران به مبارزه برخیزد و حقوق محرومان را تأمین نماید.

نقش ایمان در امنیت

یکی از آثار و برکات ایمان، رسیدن به مقام امن و امنیّت است؛ یعنی یکی از ویژگیهای فرد مؤمن و جامعه مؤمنان این است که در برابر حوادث و عوامل تهدید کننده و بیم دهنده، خوف، خطر و دغدغه‌ای احساس نمی کنند و از زندگی آسوده و مطمئن برخوردارند.

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (انعام/۸۲). آنها که ایمان آوردند و ایمان خود را به ظلم نیالودند برای آنها ایمنی و آسودگی است و هم آنها به حقیقت هدایت یافته‌اند. «هو الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ» (فتح/۴). اوست خدایی که آرامش را بر دل‌های مؤمنان قرار داد تا بر یقین و ایمانشان بیفزاید و سپاه زمین و آسمانها همه لشکر خداست و خداوند حکیم و داناست. خداوند متعال در آیه ای دیگر می فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» (رعد/۲۸)؛ آنها که به خدا ایمان آورده و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می گیرد. آگاه باشید که تنها با یاد خدا است که دل‌ها آرام می گیرد.

قرآن کریم در آیه ۱۱۲ سوره نحل، نقش ایمان را در امنیت و نقش کفر را در زوال امنیت به صورت زیبایی ترسیم کرده است و می فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مَطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمَ اللَّهُ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ...»؛ یعنی خداوند مثلی زده است، منطقه آبادی که امن و امان بود و همواره روزی‌اش از هر جا می رسید، اما نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند و خداوند به خاطر اعمالی که انجام دادند لباس گرسنگی و ترس را بر آنها پوشانید؛ یعنی همانگونه که ایمان، نعمت رفاه و امنیت را به آنها ارزانی بخشید، کفران و ناسپاسی برای آنها، فقر و ناامنی را بار آورد.





در این آیات برای این منطقه آباد و خوشبخت و پربرکت، سه ویژگی ذکر شده است که نخستین آنها امنیت، سپس اطمینان به ادامه زندگی در آن و بعد از آن، مسئله جلب روزی و مواد غذایی فراوان می باشد که از نظر ترتیب طبیعی به همان شکل که در آیه آمده، صورت حلقه های زنجیری علت و معلول دارد، زیرا تا امنیت نباشد کسی اطمینان به ادامه زندگی در محلی پیدا نمی کند و تا این دو نباشند کسی علاقه مند به تولید و سر و سامان دادن به وضع اقتصادی نمی شود. این درسی است برای همه ما و همه کسانی که می خواهند سرزمینی آباد و مستقل داشته باشند. باید قبل از هر چیز به مسئله «امنیت» پرداخت سپس مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار ساخت و به دنبال آن چرخ های اقتصادی را به حرکت درآورد (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۵۴۸).

خاستگاه های دینی تولید امنیت

الف. خداوند بهترین حافظ و تأمین کننده امنیت

هما نگونه که در آیه زیر از زبان حضرت یعقوب خطاب به فرزندانش نقل شده، بهترین تأمین کننده امنیت و حافظ خداوند است: پس چون به سوی پدر خود بازگشتند، گفتند: ای پدر، پیمانمان از ما منع شد. برادرمان را با ما بفرست تا پیمانمان بگیریم و ما نگهبان او خواهیم بود. [یعقوب] گفت آیا هما نگونه که شما را پیش از این بر برادرش امین گردانیدم، بر او امین سازم؟ پس خدا بهترین نگهبان است و اوست مهربان ترین مهربانان (یوسف/۶۳-۶۴).

در تفسیر مجمع البیان آمده است: کلمه امن به معنای اطمینان قلب نسبت به سلامت است، و اینکه فرمود: فَآخِيراً حَافِظاً وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، تفریع است بر کلام سابقش که گفته بود: هَلْ آمَنُكُمْ عَلَيْهِ، که استنتاج را آماده می کند و می فهماند که وقتی اطمینان به شما در خصوص این پسر لغو و بیهوده است و هیچ اثر و خاصیتی ندارد، پس بهترین اطمینان و اتکال، تنها آن اطمینان و توکلی است که به خدای سبحان و به حفظ او باشد، و خلاصه وقتی امر مردد باشد میان توکل به خدا و تفویض به او، و میان اطمینان و اعتماد به غیر او، وثوق به خدای تعالی بهتر و بلکه متعین است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۴۷).



ب. نعمتی از سوی خداوند

حضرت آدم و همسر ایشان از ابتدا توسط خداوند در آرامش و نعمت خلق شدند. سرپیچی از خداوند و نزدیکی به آنچه خداوند از آنها منع کرد به تحریک شیطان موجب خروج آنان از آرامش و ایجاد دشمنی بین آنان شد. خداوند وعده برخورداری از بخشی از آرامش و نعمت را در پی استقرار در زمین به حضرت آدم و حوا تا زمان معلوم می‌دهد، لذا مشخص است که آرامش و نعمت حقیقی در زمین دست نیافتنی است: «و گفتیم ای آدم خود و همسرت در این باغ سکونت گیر و از هر کجای آن که می‌خواهید فراوان بخورید و به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود. پس شیطان هر دو را از آن بلغزاند و از آنچه در آن بودند ایشان را به درآورد و فرمودیم فرود آید. شما دشمن همدیگرید و برای شما در زمین قرارگاه و تا چندی برخورداری خواهد بود» (بقره/ ۳۵-۳۶).

آری از بهشتی که کانون آرامش و آسایش و دور از درد و رنج بود؛ بر اثر فریب شیطان اخراج شدند و چنان که قرآن می‌گوید: «ما به آنها دستور دادیم که به زمین فرود آید، در حالی که دشمن یکدیگر خواهید بود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۸۶).

اوصاف ذکر شده بیانگر این مطلب است که سلامت و امنیت نهایی از آن متقین است و در بهشت از آن برخوردار خواهند بود. سلامت و امنیت به عنوان مهم ترین ویژگی و نعمت برجسته خداوند در بهشت به متقین وعده داده شده است. با توجه به تقدم در ترتیب ذکر شده مقدر است که امنیت یکی از آثار و برکات اصلی و از اجزای سلامت است. بیماری و ترس در سرنوشت نهایی متقین از آنها دور خواهد بود: بی گمان پرهیزگاران در باغ ها و چشمه ساران اند (حجر/ ۴۶ و ۴۵).

جالب اینکه از میان تمام صفات، روی تقوی تاکید شده است. همان تقوی، تعهد و مسئولیت که جامع تمام صفات برجسته انسانی است. ذکر جنات و عیون به صیغه جمع اشاره به باغ های متنوع و چشمه های فراوان و گوناگون بهشت است که هر کدام لذتی تازه می آفریند و ویژگی خاصی دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۹۲).



ج. الهام و امداد الهی

آرامش و امنیت در زمره امدادهای الهی است که مشمول مؤمنین می‌شود و اعطای آن نیز که در پی ایمان و عمل صالح محقق شده است، خود موجب افزایش ایمان مؤمنین می‌گردد: اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند (سوره فتح/ ۴). همچنین دستیابی به امنیت با هدایت و امداد از سوی خداوند حاصل می‌شود و موجب دوری از ترس و اندوه خواهد بود: پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد، آنان که هدایت را پیروی کنند برایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد. ولی کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، آنانند که اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود (بقره/ ۹).

این آیه اولین فرمانی است که در تشریع دین برای آدم و ذریه او صادر شده و دین را در دو جمله خلاصه کرده است که تا روز قیامت چیزی بر آن دو جمله اضافه نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۰۶). با اینکه توبه آدم پذیرفته شد، ولی اثر وضعی کار او که هبوط به زمین بود تغییر نیافت، و چنان که آیات فوق می‌گوید: ما به آنها گفتیم همگی به زمین فرود آیید. هر گاه از جانب ما هدایتی برای شما آید کسانی که از آن پیروی کنند، نه ترسی دارند و نه اندوهگین خواهند شد ولی آنان که کافر شوند و آیات ما را تکذیب کنند برای همیشه در آتش دوزخ خواهند ماند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۹۷).

نکته در این است که امنیت از سوی خداوند الهام و توسط فرشتگان الهی نازل می‌شود. خوف و اندوه از کسانی که به امنیت می‌رسند زائل می‌شود و بهشت خداوند جایگاه نهایی امن الهی برای انسان، خالی از هر گونه خوف و حزن معرفی شده است: در حقیقت، کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایستادگی کردند فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند و می‌گویند هان بیم مدارید و غمین مباشید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید (فصلت/ ۳۰).

خداوند منشأ سکینه، آرامش و امنیت است. جایگاه آرامش در قلوب مؤمنین است و آرامش باعث افزایش ایمان می‌شود و کسی که ایمان بیشتری دارد به آرامش و امنیت بیشتری نائل می‌آید. سپاهیان آسمان و زمین در تأمین آرامش برای مؤمنین ایفای نقش





میکنند و علم و حکمت الهی به عنوان پشتوانه تحقق عینی و عملی دستیابی به آرامش مؤمنین معرفی شده است: اوست آن کس که در دل های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند و سپاهیان آسمان ها و زمین از آن خداست و خدا همواره دانای سنجیده کار است (فتح/ ۴).

چ. خداوند مدافع مؤمنین

خداوند دوستدار و مدافع مؤمنین است و دفاع و در مقابل حفاظت خداوند مشمول مشرکین و خیانتکاران ناسپاس نمی شود: قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده اند دفاع می کند، زیرا خدا هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد (حج/ ۳۸). در این آیه برای مطالب آیه بعد که اذن به قتال می دهد زمینه چینی شده است و می فرماید خدا از کسانی که ایمان آورده اند دفاع و شر مشرکین را از ایشان دفع می کند، چون او ایشان را دوست می دارد، و مشرکین را دوست نمی دارد، برای اینکه مشرکین خیانت کردند. پس اگر او مؤمنین را دوست می دارد، بدین علت است که مؤمنین امانت را رعایت می کنند و نعمت خدا را شکر گزارند. در حقیقت، خدا از دین خود که امانت نزد مؤمنین است دفاع می کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۵۴۳). بدیهی است که این وعده الهی صرفاً مخصوص مؤمنان عصر پیامبر (ص) در برابر مشرکان نبود. حکمی است جاری و ساری در تمام اعصار و قرون. مهم آن است که ما مصداق الَّذِينَ آمَنُوا باشیم که دفاع الهی به دنبال آن حتمی و تخلف ناپذیر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۱۱۲).

ح. ایجاد الگوی شهر امن در اسلام

ویژگی های شهر و کشور نمونه و الگوی امن در اسلام، زندگی ساکنین در آرامش روحی و برخوردار از رزق همه جانبه (مادی و معنوی) ترسیم شده است. «برای سنجش میزان امنیت در یک جامعه و یک کشور لازم است به ابعاد مادی و معنوی هر دو با هم توجه کرد و سه شاخصه آرامش، برخوردار از رزق مادی و برخوردار از رزق معنوی باید مورد توجه قرار گیرند» (حمزه پور، ۱۳۹۱). اصل و خلقت خداوند بر امنیت و آرامش استوار شده است و ناشکری و ناسپاسی انسان ها موجب ایجاد ناامنی، فقر و ترس می گردد. امنیت در بستر جامعه تعریف شده و مؤلفه های ایجابی و سلبی آن نیز مشتمل بر آرامش، رزق،





ترس و فقر در ابعاد جامعه مورد تأکید قرار گرفته است: و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود و روزیش از هر سو فراوان می رسید. پس ساکنانش نعمت های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند طعم گرسنگی و هراس را به آنها چشاند (نحل / ۱۱۲).

در اینجا سه صفت برای قریه مورد مثل بیان می کند که متعاقب هم هستند. اما، ویژگی میانه که مسئله اطمینان باشد به منزله رابط میان دو صفت دیگر است، چون هر قریه ای که تصور شود وقتی امنیت داشته باشد و از هجوم اشرار و غارتگران و خون ریزی ها و اسیر رفتن زن و بچه و چپاول رفتن اموال و همچنین از هجوم حوادث طبیعی از قبیل زلزله و سیل و امثال آن ایمن باشد، مردمش اطمینان و آرامش پیدا می کنند و دیگر مجبور نمی شوند جلای وطن کنند و متفرق شوند. از کمال اطمینان، صفت سوم پدید می آید، و رزق آن قریه فراوان و ارزان می شود، چون از همه قرا و شهرستان های اطراف آذوقه بدانجا حمل می شود، دیگر مردمش مجبور نمی شوند زحمت سفر و غربت را تحمل کنند و برای طلب رزق و جلب آن به سوی قریه خود بیابان ها و دریاها را زیر پا بگذارند و مشقت های طاقت فرسایی تحمل کنند. پس اتصاف قریه به این سه صفت که عبارت است از: امن و اطمینان و سرازیر شدن رزق بدانجا از هر طرف، تمام نعمت های مادی و صوری را برای اهل آن جمع کرده است و در ادامه، خدای سبحان نعمت های معنوی را در آیه بعدی که می فرماید وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ بِرِئَاسَةٍ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ، پس این قریه، قریه ای است که نعمت های مادی و معنوی آن تام و کامل بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۵۲۳).

در آیات فوق برای این منطقه آباد، خوشبخت و پربرکت سه ویژگی بیان شده است که نخستین آنها امنیت، سپس اطمینان به ادامه زندگی در آن، و بعد از آن مسئله جلب روزی و مواد غذایی فراوان است که از نظر ترتیب طبیعی به همان شکل که در آیه آمده صورت حلقه های زنجیری علت و معلول دارد، زیرا تا امنیت نباشد کسی اطمینان به ادامه زندگی در محلی پیدا نمی کند، و تا این دو نباشند کسی علاقه مند به تولید و سر و سامان دادن به وضع اقتصادی نمی شود. این درسی است برای همه ما و همه کسانی که می خواهند سرزمینی آباد





و آزاد و مستقل داشته باشند؛ باید قبل از هر چیز به مسئله امنیت پرداخت، سپس مردم را به آینده خود در آن منطقه امیدوار کرد و به دنبال آن چرخ های اقتصادی را به حرکت درآورد. ولی این نعمت های سه گانه مادی هنگامی به تکامل می رسند که با نعمت معنوی ایمان و توحید هماهنگ شوند. به همین دلیل، در آیات فوق بعد از ذکر نعمت های سه گانه می گوید: پیامبری از جنس آنها برای هدایت شان مأموریت پیدا کرد. جالب اینکه در آیات فوق هنگامی که سرنوشت این کفران کنندگان نعمت را بیان می کند، می گوید: خداوند لباس گرسنگی و ترس را به آنها چشاند، یعنی از یک سو، گرسنگی و ترس تشبیه به لباس شده، و از سوی دیگر، به جای پوشاندن، چشاندن آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۴۳۳).

لذا، امنیت اجتماعی نعمتی است که باید از خداوند تقاضا کرد. منشأ امنیت اجتماعی خداوند است؛ چنان که مقصود از امنیتی که آن جناب درخواست کرده امنیت تشریعی است نه تکوینی و مقصود این است که امنیت این شهر (مکه) را تضمین کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۹۹). حضرت ابراهیم نخستین تقاضایی را که در سرزمین مکه از خداوند کرد تقاضای امنیت بود: و یاد کن هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا این شهر را ایمن گردان. (ابراهیم/ ۳۵) این نشان می دهد که نعمت امنیت نخستین شرط برای زندگی انسان و سکونت در یک منطقه و برای هر گونه عمران و آبادی و پیشرفت و ترقی است. اگر جایی امن نباشد، قابل سکونت نیست، هر چند تمام نعمت های دنیا در آن جمع باشد. همچنین خداوند دعای ابراهیم را درباره امنیت مکه از دو جهت اجابت کرد: هم امنیت تکوینی به آن داد، زیرا شهری شد که در طول تاریخ حوادث ناامن کننده کمتر به خود دیده و هم امنیت تشریعی یعنی خدا فرمان داده که همه انسانها و حتی حیوانات در این سرزمین در امن و امان باشند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۳۶۶).

خ. حاکمیت صالحان

امنیت به عنوان یکی از نعمت های خداوند در حاکمیت صالحان ارزانی می شود: پس چون بر یوسف وارد شدند پدر و مادر خود را در کنار خویش گرفت و گفت ان شاء الله با امن و امان داخل مصر شوید (یوسف/ ۹۹). یوسف به منظور استقبال از ایشان از مصر بیرون





آمد و خارج مصر ایشان را در آغوش گرفت و آنگاه به منظور احترام و رعایت ادب گفت: داخل مصر شوید. او در جمله *إِنْ شَاءَ الْاَمِينُ* ادبی را رعایت کرده که بی سابقه و بدیع است، چون هم به پدر و خاندانش امنیت داده، و هم رعایت سنت و روش پادشاهان را که حکم صادر می کنند کرده و هم این حکم را مقید به مشیت خدای سبحان کرده است تا بفهماند مشیت آدمی مانند سایر اسباب، اثر خود را نمی گذارد مگر وقتی که مشیت الهی هم موافق آن باشد، و این خود مقتضای توحید خالص است. ظاهر این سیاق می رساند که خاندان یعقوب بدون داشتن جواز از ناحیه پادشاه نمی توانستند وارد مصر شوند، و به همین علت، یوسف در ابتدای امر به ایشان امنیت داد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ۳۳۶).

یوسف از میان تمام مواهب و نعمت های مصر انگشت روی مسئله امنیت گذاشت و به پدر و مادر و برادران گفت: وارد مصر شوید که ان شاء الله در امنیت خواهید بود و این نشان می دهد که نعمت امنیت ریشه همه نعمت هاست، و حقا چنین است، زیرا هر گاه امنیت از میان برود، سایر مسائل رفاهی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در محیطی ناامن، نه اطاعت خدا مقدور است نه زندگی توام با سربلندی و آسودگی فکر، و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد هد فهای اجتماعی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۸۴).

در همین راستا در صدر اسلام بیعت مؤمنان با پیامبر به عنوان حاکم برگزیده اسلامی به منزله خشنودی خداوند و انزال آرامش در قلوب آنان معرفی می شود: به راستی خدا هنگامی که مؤمنان زیر آن درخت با تو بیعت میکردند از آنان خشنود شد و آنچه در دل هایشان بود بازشناخت و بر آنان آرامش فرو فرستاد و پیروزی نزدیکی به آنها پاداش داد (فتح/ ۱۸). علامه طباطبایی (ره) در این خصوص می فرماید: آنچه در مقام ما رضایت از آن انتزاع می شود، مجموع علم خداست به آنچه در دل های مؤمنین است، و به انزال سکینت بر آن د ل ها، و به ثوابی که به صورت فتح قریب و مغنم کثیره به آنان داد. رضایت از مجموع اینها انتزاع شده است. پس جمله *فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ* متفرع است بر جمله *لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ* تا کشف کند حقیقت آن رضایت چیست، و دلالت کند بر مجموع اموری که با تحقق آنها رضایت متحقق می شود و آنگاه جمله *فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ* متفرع شده



است بر جمله فَعَلِمَ ما فی قُلُوبِهِمْ و همچنین جمله معطوف بر آن، یعنی جمله وَ أَثَابَهُمْ فَتَحاً قَرِيباً؛ (علامه طباطبایی (۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۲۷).

در تداوم این مسیر و در تکامل آن، نعمت ولایت به عنوان کامل کننده دین و تمام کننده نعمت و دین مورد رضایت اسلام، تأمین کننده امنیتی است که باعث می شود از کفار ایمنی حاصل آید و خداوند امنیت را اعطا فرماید. مؤمنین برخوردار از نعمت ولایت، غیر از خداوند از کس دیگری ترس ندارند. چنان که با تکمیل رسالت و دین مبین اسلام با ابلاغ و به برکت ولایت امیرالمؤمنین (ع) که در همه ائمه معصومین (س) از جمله در زمان معاصر در وجود مبارک حضرت ولی عصر (عج) تسری پیدا کرده است، جوامع اسلامی از گزند کفار مصون و محفوظ شده‌اند و تنها آسیب‌های داخلی این جوامع همواره قابل تصور است. راهکار پرو نرفت از این آسیب‌های داخلی، نابسامانی و عدم تعادل درونی در جوامع اسلامی نیز ترس از خداوند و تقوی الهی برشمرده شده است: امروز کسانی که کافر شده‌اند از کارشکنی در دین شما نومید گردیده‌اند. پس از ایشان مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما به عنوان آیینی برگزیدم (مائده/۳).

تمامیت یأس کفار حتماً باید به عامل و علتی برگردد که عقل و اعتبار صحیح آن را تنها عامل ناامیدی کفار بداند، مبنی بر اینکه خدای سبحان برای این دین کسی را نصب کند که قائم مقام رسول خدا (ص) باشد، و در حفظ دین و تدبیر امر آن و ارشاد امت متدین کار خود آن جناب را انجام دهد، به نحوی که امیدی برای آرزوی شوم کفار باقی نماند، و کفار برای همیشه از ضربه زدن به اسلام مأیوس شوند. آری مادام که امر دین قائم به شخص معینی باشد، دشمنان آن می توانند این آرزو را در سر پیورانند که با از بین رفتن آن شخص دین هم از بین برود، ولی وقتی قیام به حاملی شخصی، مبدل به قیام به حاملی نوعی شد، آن دین به حد کمال می‌رسد، و از حالت حدوث به حالت بقا متحول و نعمت این دین تمام می‌شود. اما نهی در جمله فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ ارشادی است، نه مولوی، و به این معناست که دیگر جایی برای ترسیدن شما باقی نمانده زیرا با نوامیدی کفار آن خطر که قبلاً از آن می‌ترسیدید





بر طرف شد و این پر واضح است که انسان بعد از آنکه از چیزی مأیوس شد، دیگر آن را تعقیب نمی کند، چون در چنین حالتی می داند که هر چه زحمت بکشد هدر می رود به همین علت، شما مسلمانان از امروز از ناحیه کفار ایمن خواهید بود. دیگر جا ندارد که از آنان بر دین خود بترسید، پس از آنان مترسید و از من بترسید.

این سه وعده در روز غدیر خم با نزول آیه ... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ جامه عمل به خود پوشید، زیرا نمونه کامل فرد با ایمان و عمل صالح، یعنی علی (ع) به جانشینی پیامبر (ص) نصب شد و مسلمانان در آرامش و امنیت نسبی قرار گرفتند و آیین مورد رضایت پروردگار میان مسلمانان استقرار یافت. البته این تفسیر منافاتی با روایاتی که می گوید آیه سوره نور در شأن امام زمان (عج) نازل شده است، ندارد، زیرا آمنا منکم... دارای معنی وسیعی است که یک نمونه آن در روز غدیر خم انجام یافت و سپس در مقیاسی وسیع تر و عمومی تر در زمان قیام مهدی (ع) انجام خواهد یافت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۲۶۹).

بنابراین، ایمنی و ترس به جای انتشار از سوی مردم، باید به پیامبر و اولی الامر ارجاع شود تا مورد استنباط قرار گیرد، در غیر این صورت، اگر فضل خداوند شامل نشود، همگان جز اندکی از شیطان پیروی می کردند: و چون خبری حاکی از ایمنی یا وحشت به آنان برسد انتشارش دهند و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی اند که می توانند درست و نادرست آن را دریابند و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً جز شمار اندکی از شیطان پیروی می کردید (نساء/ ۸۳).

در نهایت حاکمیت مطلق صالحان روی زمین به امامت ولی عصر (عج) نیز زمینه ساز امنیت مطلق برای مؤمنین خواهد شد: خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد؛ همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده است پایرجا و ریشه دار خواهد کرد و ترس شان را به امنیت و آرامش تبدیل خواهد کرد. چنان که تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند و کسانی که پس از آن کافر شوند فاسقان اند (نور/ ۵۵).





آثار امنیت از منظر اسلام

الف. عبادت خالصانه خدای تعالی

مهمترین و نتیجه غایی جامعه امن، فراهم شدن زمینه لازم برای عبادت خالصانه خدای تعالی است. هنگامی که پیامبر (ص) و مسلمانان به مدینه هجرت کردند و انصار با آغوش باز آنها را پذیرا گشتند، تمامی عرب بر ضد آنها قیام کردند و آنچنان بود که آنها ناچار بودند اسلحه را از خود دور نکنند، شب را با سلاح بخوابند و صبح با سلاح برخیزند. ادامه این حالت بر مسلمانان سخت آمد، بعضی این مطلب را آشکار گفتند که تا کی این حال ادامه خواهد یافت؟ آیا زمانی فرا خواهد رسید که با خیال آسوده، شب استراحت کنیم و اطمینان و آرامش بر ما حکم فرما گردد، و جز از خدا از هیچکس نترسیم و آیه شریفه ۵۵ سوره نور نازل شد و به آنها بشارت داد که آری چنین زمانی فرا خواهد رسید: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (نور/۵۵).

با توجه به شأن نزول و تبیین آیه شریفه مبنی بر وعده الهی به دین و آیینی پسندیده، ریشه دار و پابرجا و مستقر، بدیهی است که چنین ویژگی‌هایی باعث می شود ترس و رعب به امنیت و آرامش مبدل شده و جامعه ای با ضریب امنیتی بالا به ارمغان آورد، شایان ذکر است که در جوامعی این چنینی، ایمان و عمل صالح علت اصلی و پایدار خواهند بود. پس با توجه به ادامه آیه شریفه که می فرماید آنچنان می شود که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من قرار نخواهند داد، اولین و مهمترین نتیجه به دست خواهد آمد که همان عبادت خالصانه پروردگار متعال است.

ب. امکان سکونت

دومین اثر امنیت امکان سکونت و آسودگی در معیشت است که تألیف بین انسان و محل زندگی او است، سوره مبارکه قریش بیان روشنی است از تامین فضای امن معاش و ایجاد الفت آدمی نسبت به زیستگاه خویشتن و همچنین وسیله بودن امنیت مکان برای اثر مهم و غایی یعنی توجه به معاد و پرستش آفریدگار یکتا. مرحوم علامه طباطبایی (ره) می فرماید:





آیه شریفه الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف اشاره است به سنت واضحی که در ایلاف دو رحلت وجود دارد و نعمت ظاهری که نمی توانند آن را انکار کنند و آن تأمین معاش قریش و امنیت آنان است، که در سرزمینی زندگی می کردند که نه نانشان تأمین بود و نه جانشان و نه سرزمین خرمی بود که دیگران بدانجا آیند و نه جان دیگران در آنجا تأمین می شد. پس باید ربی را پرستند که این چنین به بهترین وجه امورشان را تدبیر نمود و او همان رب بیت است. خدای تعالی به برکت اسلام و بعثت رسول گرامی اش، جوامع انسانی را از دیار مختلف جهت زیارت رسول خدا (ص) و خانه مقدس خویش به سوی حجاز کشاند و آنجا را رونق و هزینه سفر مشقت بار اهل حجاز جهت امرار معاش را از دوششان برداشت و از گرسنگی نجات داد و مهمتر از آن به پاس حرمت کعبه، بساط راهزنی و دستبرد به کاروانیان برچیده شد و امنیت فردی و ملی قریش تأمین گردید. در روایات نیز امکان سکونت از نتایج و آثار برجسته امنیت شمرده شده است تا آنجا که وجود زندگی با امنیت از مصادیق تمام و کمال نعم شمرده شده و عدم تأمین آن به بی ارزشی و بی خیری تعبیر شده است.

ج. آزادی سیر و سیاحت

قرآن کریم در سوره مبارکه سبأ آیه شریفه ۱۸ می فرماید: وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمُ الْوَبْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرًى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ سِيرُوا فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّاماً آمِنِينَ. علامه طباطبائی، آیه شریفه مذکور را چنین تفسیر می کند: وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّيْرَ یعنی سیر در آن قراء را به نسبتی متناسب قرار دادیم، نه مختلف، به طوری که نسبت مسافت بین اولی و دومی، برابر بود با نسبت مسافتی که بین دومی و سومی بود، سیر و فیها لیالی و ایاماً آمنین در این جمله کلمه قول در تقدیر است، و تقدیر آن قلنا سیروا... است یعنی: و به ایشان گفتیم که در این قریه ها سیر کنید، در حالی که ایمن باشید، اگر خواستید در روز گردش کنید و اگر خواستید در شب، و خلاصه معنا، این است که آن چنان امنیت در این قراء برقرار کردیم که سیر شب و روز در آنها فرقی نداشت، هر وقت می خواستند می توانستند با آرامش خاطر به سیر بپردازند (علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶).





در تفسیر نمونه نیز آیه شریفه چنین تبیین شده است: به این ترتیب آبادی‌ها فواصل متناسب و حساب شده ای داشت، و از نظر حمله و حوش و درندگان بیابان، یا سارقین و قطاع الطريق نیز در نهایت امنیت بود، به گونه ای که مردم می توانستند بدون زاد و توشه و مرکب، بی آنکه احتیاج به حرکت دسته جمعی و استفاده از افراد مسلح داشته باشند بدون هیچ خوف و ترس از جهت ناامنی راه یا کمبود آب و آذوقه به مسیر خود ادامه دهند) مکارم شیرازی (۱۳۷۴، ج ۱۸: ۶۳)؛ آنچه از شریفه ۱۸ سوره مبارکه سبأ و تفسیر آن برداشت می شود این است که موهبت های الهی به محل زندگی قوم سبأ و سیستم شهرسازی آنجا و موقعیت جغرافیایی آن، جایگاه ویژه ای را از نظر امنیتی برای آن شهر فراهم آورده بود، که خدای تعالی ثمره مهم شهری با این توصیفات را وجود امنیت می داند و شاخصه مهم چشم نواز وجود تأمین را آزادی سیر و سیاحت در این شهر برمی شمرد.

چ. امکان تحقیق

زمینه دستیابی و فراهم نمودن شرایط مناسب و محیط آرام و سهل الوصول برای تحقیق و مطالعه حق و حقیقت مسئله قابل توجهی است که خدای متعال به پیامبر عظیم الشأن (ص) دستور ایجاد چنین فضای لازمی را می فرماید، تا فرصت مقتضی چنین مهمی آسان باشد. در این مورد خدای تعالی می فرماید: وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ؛ تفسیر نمونه آیه شریفه را چنین شرح می دهد: یعنی در نهایت آرامش با او رفتار کن، و مجال اندیشه و تفکر را به آنها بده تا آزادانه به بررسی محتوای دعوت تو بپردازند، و اگر نور هدایت بر دل آنها تابید آن را بپذیرند، بعد اضافه می کند که او را پس از پایان مدت مطالعه به جایگاه امن و امانش برسان تا کسی در اثناء راه مزاحم او نگردد (ثم ابلاغه مأمنه) (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۹۲). پناهندگی، امنیت پناهندگان، زدودن نژاد پرستی و حساسیت غیر لازم نسبت به اتباع پناهنده و ایجاد شرایطی که بتوانند موضوعات دینی و مذهبی را مطالعه کنند، از مؤلفه های یک کشور امن است و یکی از تدابیر لازم امنیتی که مشترک بین آثار مختلف امنیت است؛ امنیت راه ها است.





خ. رفاه و امنیت اقتصادی

قرآن کریم در سوره مبارکه بقره آیه شریفه ۱۲۶ می فرماید: و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق اهلہ من الثمرات من امن منهم باللہ والیوم الآخر ... مناسب است جهت تبیین آیه شریفه ابتدای آیه ماقبل یعنی آیه شریفه ۱۲۵ را شرح دهیم، بعد از اشاره به مقام ابراهیم (ع) در آیه شریفه گذشته، به بیان عظمت خانه کعبه که به دست ابراهیم ساخته و آماده شد پرداخته می فرماید: به خاطر بیاورید هنگامی را که خانه کعبه را مثابه (محل بازگشت و توجه) مردم قرار دادیم و مرکز امن و امان: و اذا جعلنا البیت مثابة للناس و اماناً. مثابة در اصل از ماده (ثوب) به معنی بازگشت چیزی به حالت نخستین است، و از آنجا که خانه کعبه مرکزی بوده است برای موحدان که همه سال به سوی آن رو می آورند، نه تنها از نظر جسمانی که از نظر روحانی بازگشت به توحید و فطرت نخستین می کردند، از این رو به عنوان مثابه معرفی شده و از آنجا که خانه انسان که مرکز بازگشت همیشگی او می باشند محل آرامش و آسایش است، در کلمه مثابة یک نوع آرامش و آسایش خاطر، نیز افتاده است و این معنا با کلمه اماناً که پشت سر آن ذکر شده تأکید می شود، مخصوصاً کلمه للناس نشان می دهد که این مرکز امن و امان پناهگاهی است عمومی برای همه جهانیان و انسانها و توده‌های مردم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۴۸).

با بیان قرآن کریم در شریفه ۱۲۵ سوره مبارکه بقره و ضمیمه آیه مورد بحث ارکان اصلی رفاه که سکونت امن و اقتصاد پویا باشد تبیین شده و رابطه تنگاتنگ آبادانی و امنیت مشخص می گردد، تفسیر نمونه آیه شریفه ۱۲۶ را چنین شرح می دهد: جالب اینکه ابراهیم (ع) نخست تقاضای امنیت و سپس درخواست مواهب اقتصادی می کند و این خود اشاره ای است به این حقیقت که تا امنیت در شهر یا کشوری حکمفرما نباشد، فراهم کردن یک اقتصاد سالم ممکن نیست. در اینکه منظور از ثمرات چیست؟ مفسران گفتگوها دارند ولی ظاهراً ثمرات یک معنی وسیع دارد که هر گونه نعمت مادی، اعم از میوه ها و مواد دیگر غذایی، و نعمتهای معنوی را شامل می شود، در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم که فرمود: هی ثمرات القلوب: منظور میوه دلها است اشاره به اینکه خداوند محبت و علاقه مردم را به مردم این سرزمین جلب می کند (همان).



نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشیدیم تا به تبیین مبانی و مفهومی بپردازیم که از صفات خاص خداوند و از آثار ایمان و مقام پرهیزگاران است؛ خداوند ضمن اینکه بهترین حافظ و تأمین کننده امنیت است، به عنوان یگانه منشأ و منبع تولید امنیت معرفی شد که به صورت نعمت، الهام و امداد الهی اعطا می‌کند و به صورت خاص مدافع مؤمنین است و در حاکمیت صالحان امنیت را برقرار می‌کند؛ چنان که سرزمین مکه را به عنوان الگویی از شهر امن معرفی می‌کند. در مقابل، هر گونه الحاد نسبت به آیات خداوند منشأ ترس است.

هدف از تولید امنیت به عنوان بستر ساز عبادت، تعلق وفور نعمت (مادی و معنوی) و در نهایت، مقدمه هدایت تبیین شده است و روش تحصیل و حفاظت از امنیت، ایمان و عمل صالح و نزدیکی و یاد خداوند احصا شده است. لذا با بهره‌گیری از گزاره‌های مذکور می‌توان به پرسش‌های مطرح شده در صدر مقاله پاسخ داد.

قرآن و روایات بیانگر این نکته بسیار مهم هستند که هر گونه امنیتی و در هر بعد از ابعاد آن، در نهایت ریشه در ایمان و اعتقادات معنوی و الهی دارد و هر گونه ناامنی در عرصه‌ای، سرانجام ریشه‌اش به بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند شرک، کفر، ظلم، استکبار و... برمی‌گردد، از سویی مومن و صفات ایمانی، اصلی‌ترین خاستگاه صدور کنش‌های امنیت‌زاست و می‌توان در استنتاج نهایی گفت که بستر سازی حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد چه در حوزه رفتارهای فردی و اجتماعی و ابعاد آن‌ها از حیات و غیر ایمانی، اصلی‌ترین ساز و کار تأمین امنیت در نظام اسلامی است. نظام باید سعی کند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مومنین و تقابل با دشمنان ایمان، امنیتی همه‌جانبه و فراگیر برای تمامی شهروندان جامعه اسلامی و حتی غیر مسلمانی که در پناه آن زندگی می‌کنند فراهم کند و بدون غفلت از زندگی دنیایی و با تأمین نیازهای زندگی این جهانی، زمینه ورود سرشار از عافیت و مسالمت و ایمن از عذاب را به زندگی آن جهانی و اخروی تمهید سازد.

در خصوص مفهوم امنیت گفته شد که امنیت برای مخلوقات از آثار ایمان به خداست، به گونه‌ای که متناسب با درجات ایمان از آن برخوردار می‌شوند. امنیت با ایمان محقق



می‌شود و نقطه کانونی امنیت را ایمان تشکیل می‌دهد. لذا توسعه ایمان به توسعه امنیت خواهد انجامید و در مقابل، ناامنی با ظلم محقق می‌شود. سلامت و امنیت ناشی از ایمان و دستیابی به نعمت امنیت به عنوان فضل خداوند و فوز عظیم خداوند و نیز در زمره امدادهای الهی است. الهام توسط فرشتگان الهی نازل و از سوی خداوند به انسان اعطا می‌شود. امنیت، به ویژه در بعد جانی آن، بر سایر نعمت‌های الهی مقدم است و از کف دادن آن نیز مصیبتی بزرگ تر در مقایسه با از دست دادن سایر نعمت‌های مادی خداوند به حساب می‌آید.

منشأ امنیت: امنیت از صفات خاص خداوند است و شریک دانستن دیگران در داشتن این صفات از درجات شرک محسوب می‌شود. خداوند منشأ سکینه، آرامش و امنیت و نیز منشأ ایمنی از ترس معرفی شده است. این نعمت چنان کلیدی و اساسی است که خداوند در معرفی خود به آن اشاره می‌کند. لذا امنیت تنها از سوی خداوند تأمین می‌شود.

منشأ ترس: نقطه کانونی ناامنی را ظلم تشکیل می‌دهد، لذا توسعه ظلم به توسعه ناامنی می‌انجامد. هما نگونه که آسیب‌های امنیتی ناشی از مخدوش شدن ایمان است، رخنه و تفوق در محو ظلم نیز با توسعه ایمان محقق می‌شود. ترس و اندوه ناشی از الحاد و شرک به خداوند است. شرک منشأ ایجاد ترس و کژری نسبت به آیات خداوند و نیز منشأ ترس در روز قیامت بیان شده است. لذا خداوند منشأ امنیت برای مؤمنین و منشأ القا و ایجاد ترس برای کفار به واسطه شرکشان است. از طرفی شیطان نیز منشأ القای ترس برای نزدیکانش است و می‌تواند ترس را به دوستان خود القا کند، در حالی که مؤمنین از هیچ کس غیر خداوند ترس ندارند.

برخورداران امنیت: امنیت متعلق به مؤمنینی است که ایمان خود را با ظلم آلوده نکرده باشند. کسی که خداوند او را هدایت کند از غیر او ترسی ندارد. امنیت حق کسی است که برای خداوند شریک قائل نمی‌شود. مؤمنان و نیکوکاران از عذاب و هلاکت خداوند در امانند و ترس و اندوه شامل حال آنها نمی‌شود. امنیت مقامی معرفی شده است که تنها پرهیزگاران به آن دست پیدا می‌کنند. بنابراین، اولیای خدا به عنوان برترین پرهیزگاران، همواره از ترس و اندوه به دورند و بهترین تأمین‌کننده امنیت و حافظ آن، خداوند است.



خداوند وعده برخورداری از بخشی از آرامش و نعمت را در پی استقرار در زمین به حضرت آدم و حوا تا زمان معلوم می دهد، لذا مشخص است که آرامش و نعمت حقیقی در زمین دست نیافتنی است و سلامت و امنیت نهایی از آن متقین است و در بهشت از آن برخوردار خواهند بود. سلامت و امنیت به عنوان مهم ترین ویژگی و نعمت برجسته خداوند در بهشت به متقین وعده داده شده است. بیماری و ترس در سرنوشت نهایی متقین از آنها دور خواهد بود. امنیت مشمول مؤمنین می شود و اعطای آن نیز که در پی ایمان و عمل صالح محقق شده خود موجب افزایش ایمان مؤمنین می گردد.

مشمولان ناامنی: ترس حق کسی است که برای خداوند شریک قائل می شود. ناامنی از سوی خداوند شامل ظالمین می شود و به هلاکت آنان می انجامد. عذاب و هلاکت خداوند به ستمگران و ظالمین که همان تکذیب کنندگان آیات خداوند و فاسقان اند، تعلق می گیرد. لذا تکذیب کنندگان خداوند همانند آنچه بر پیشینیان آشکار شد، از عذاب آسمانی و زمینی خداوند در امان نیستند.

شاخصه های سنجش امنیت: در تأمین امنیت تولی و تبری لازم می نماید و وجود و مراقبت از هر دو لازم است؛ چنان که امنیت در بستر جامعه معنا شده و بالطبع دستیابی به آن نیز منوط به ایمان و پرهیز از ظلم همگانی در جامعه است. سرزمین امن توسط خداوند بنا شد و نعمت امنیت از سوی او برای اجتماع انسان ها در اطراف خانه خدا اعطا شد. ویژگی های شهر و کشور نمونه و الگوی امن در اسلام زندگی ساکنین در آرامش روحی و برخورداری از رزق همه جانبه (مادی و معنوی) ترسیم شده است. برای تعیین سنجش میزان امنیت در یک جامعه و یک کشور لازم است به ابعاد مادی و معنوی هر دو با هم توجه کرد و سه شاخصه آرامش، برخورداری از رزق مادی و برخورداری از رزق معنوی را مدنظر داد. اصل خلقت خداوند بر امنیت و آرامش استوار شده است و ناشکری و ناسپاسی انسا نها موجب ایجاد ناامنی، فقر و ترس می شود. امنیت در بستر جامعه تعریف شده است و مؤلفه های ایجابی و سلبی آن نیز مشتمل بر آرامش، رزق، ترس و فقر در ابعاد جامعه مورد تأکید قرار گرفته است. لذا برای تعیین سنجش میزان امنیت در یک جامعه و یک کشور لازم است به ابعاد





مادی و معنوی آن توجه کرد و پنج شاخصه ایمان، آرامش، عمل صالح، وفور نعمت و هدایت به عنوان محورهای اصلی نظریه امنیت در اسلام باید مورد توجه قرار گیرند.

آثار امنیت: دستیابی به امنیت موجب دوری و زایل شدن ترس و اندوه خواهد بود. بهشت خداوند جایگاه نهایی امن الهی برای انسان، خالی از هر گونه خوف و حزن معرفی و بهره گیری از ثمرات بهشتی در امنیت با فقدان مرگ، به عنوان بزرگ ترین تهدید انسان، از جمله نعمت های برجسته خداوند در بهشت معرفی شده است. مؤمنین و هدایت شدگان در اسلام و ایمان آورندگان به خداوند و روز قیامت و نیز پیروان مسیحیت و یهودیت که عمل صالح انجام دهند، ترس و اندوه نخواهند داشت. بنابراین، ایمان به خداوند و روز قیامت و عمل صالح موجب دستیابی به امنیت و دوری از ترس و اندوه می شود. عاقبت به خیری و حسن سرانجام نیز از آثار اطمینان قلب است. خداوند با هر کس باشد قرین امنیت است و ترس از او دور خواهد شد. لذا تسلیم بودن در مقابل خداوند و نیکوکاری موجب دوری از ترس و اندوه می شود.

اهداف دستیابی به امنیت: فلسفه امنیت و فراهم شدن ایمنی را خداوند زمینه‌ای برای یاد خودش می‌داند و لذا ثمره و آثار جامعه امن، دوری از شرک و بت پرستی خواهد بود. هدف ایجاد امنیت از سوی خداوند در سرزمین کعبه، عبادت خداوند و فراهم کردن بستر برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان تبیین شده است. پس از اعطای امنیت و سرازیر شدن محصولات، همه نعمت های خداوند به انسان تعلق می‌گیرد. چگونگی تأمین امنیت و نیز تعلق وفور نعمت به انسانها مورد غفلت اکثریت مردم است. روزی اهل و ساکنان در سرزمین امن از سوی خداوند منوط به مؤمنین به خداوند و روز قیامت شده است و نیز کافرین به خداوند و روز قیامت جزء برخورداران اندک و موقت از نعمت روزی و امنیت اند. از آثار دیگر ایمان که پس از دستیابی به امنیت محقق می‌شود، هدایت است و به بیانی دیگر، همه آثار و اهدافی که از نعمت امنیت بیان شد، اعم از ذکر و عبادت و تعلق وفور نعمت (مادی و معنوی) زمینه ساز و مقدمه دستیابی به هدف عالی خلقت یعنی هدایت انسان هاست. امنیت مقدمه ای برای هدایت است و ظالمین از آن جهت که قادر به دستیابی





به امنیت نیستند از هدایت الهی محروم می شوند. در مجموع امنیت در اسلام ابزار است نه هدف. ابزاری در خدمت سیر الی الله و دستیابی به هدایت است و دستیابی آن برای مؤمنین امکان‌پذیر است و ظالمین بدان علت که قادر به دستیابی به امنیت نیستند از هدایت الهی محروم می شوند.

دستیابی به امنیت با هدایت و امداد از سوی خداوند حاصل می شود. لذا امنیت اجتماعی نعمتی است که باید از خداوند تقاضا کرد. امنیت به عنوان یکی از نعمت های خداوند در حاکمیت صالحان ارزانی می شود. در همین راستا در صدر اسلام بیعت مؤمنان با پیامبر به عنوان حاکم برگزیده اسلامی موجب انزال آرامش در قلوب آنان معرفی می شود. در تداوم این مسیر و در تکامل آن، نعمت ولایت به عنوان کامل کننده دین و تمام کننده نعمت و دین مورد رضایت اسلام، تأمین کننده امنیتی است که باعث می شود از کفار ایمنی حاصل آید و خداوند امنیت را اعطا فرماید. مؤمنین برخوردار از نعمت ولایت، غیر از خداوند، از کس دیگری ترس ندارند؛ چنان که با تکمیل رسالت و دین مبین اسلام با ابلاغ و به برکت ولایت امیرالمؤمنین (ع) که تسری در همه ائمه معصومین (س) از جمله در زمان معاصر در وجود مبارک حضرت ولی عصر (عج) پیدا کرده است، جوامع اسلامی از گزند کفار مصون و محفوظ شده اند و تنها آسیب‌های داخلی این جوامع همواره قابل تصور است. راهکار برون رفت از این آسیب داخلی، نابسامانی و عدم تعادل درونی در جوامع اسلامی نیز ترس از خداوند و تقوی الهی برشمرده شده است. بنابراین، ایمنی و ترس به جای انتشار از سوی مردم، باید به پیامبر و اولی الامر ارجاع شود تا مورد استنباط قرار گیرد، در غیر این صورت، اگر فضل خداوند شامل نگردد، همگان جز اندکی از شیطان پیروی می کردند. دستیابی به امنیت در جامعه در فرایندی منطقی قابل حصول خواهد بود. وعده خداوند در دستیابی به آثار و برکات مذکور مشتمل بر خلافت روی زمین، پایداری دینی، امنیت و توحید همگی در بستر ایمان و عمل صالح جمعی و همگانی مورد تأکید قرار گرفته و ایمان و عمل صالح و دوری از شرک و کفر به نوعی تضمین کننده بقا و پایداری امنیت معرفی شده است. ایمان به خداوند و استقامت در این راه به عنوان دو عامل دوری از ترس و اندوه و شرط لازم در





دستیابی به امنیت تأکید شده است. همچنین استقامت در راه حق و اقبال و روی آوردن به خداوند موجب رفع ترس و دستیابی به امنیت می شود. امنیت با نزدیک شدن به خداوند از طریق ایمان و عمل صالح به دست می آید. اموال و فرزندان قادر به تأمین امنیت انسان نیستند. آرامش و اطمینان قلوب تنها با یاد و ذکر خداوند محقق می شود. بر این اساس برای ایجاد و تداوم نزدیکی به خداوند لازم است همواره خشیت الهی، توبه و استعاذه و اتکا به خداوند در صدر برنامه های مؤمنین قرار گیرد. بر اثر دنیاطلبی و ولایت گریزی، غم و اندوه مؤمنان را فرا می گیرد که با توبه و بازگشت به خداوند و با تفضل الهی قابلیت دستیابی به امنیت را پیدا خواهند کرد. برای دستیابی به امنیت و برخوردار شدن از کمک و نصرت خداوند باید ابتدا به خداوند پناه برد. مستضعفین به یاری خداوند نیرومند می شوند و ترس آنان، به امنیت بدل می گردد.





منابع

قرآن کریم.

- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۰) اقتدار ملی، فصلنامه علوم سیاسی، تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.
- جهان بزرگی، احمد، (۱۳۸۸) متدولوژی تفسیر سیاسی، تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- خرمشاهی، بهاءالدین، (۱۳۷۷) دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج دوم. تهران: دوستان.
- حمزه پور، علی، (۱۳۹۱) مولفه های امنیت پایدار از نظر اسلام. فصلنامه آفاق امنیت. سال پنجم. شماره ۱۴
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۸) لغت نامه دهخدا. دانشگاه تهران.
- روحانی، محمود، (۱۳۶۹) فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم. مشهد: مؤسسه ی چاپ و انتشار آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسن بن محمد، (۱۳۸۵) مفردات الفاظ القرآن. ترجمه مصطفی رحیمی نیا. تهران: نشر سبحان.
- زنجان، عمید، (۱۳۶۸) فقه سیاسی. تهران. انتشارات امیر کبیر
- سید رضی، (۱۳۷۹) نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی، چاپ دوم، تهران: انتشارات زهد.
- شریعتمدار جزائری، سید نورالدین؛ افتخاری، اصغر؛ لک زایی، نجف، (۱۳۸۵) امنیت در اسلام. مجله علوم سیاسی، تابستان ۱۳۸۵، شماره ۳۴.





- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۷۴) تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عمید، حسن، (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی عمید چاپ هشتم تهران، انتشارات امیرکبیر.
- غرایق زندگی، داود، (۱۳۸۹) مفهوم امنیت ایمانی در قرآن کریم. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره سوم.
- قریشی، علی اکبر، (۱۳۷۱) قاموس قرآن. جلد اول، چاپ ششم. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۷۴) تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- معین، محمد. (۱۳۵۰) فرهنگ فارسی شش جلدی. تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.

